

بسم الله الرحمن الرحيم

خارج فقه صلاة الجمعة استاد اراکی دامت برکاته روز شنبه ۲۶ آبان ۸۶ جلسه دوازدهم بحث ما در فرمایش مرحوم خوئی رضوان الله تعالى علیه بود که دو روایت زراره و عبد الملك أعین استناد کرده بودند برای تایید سیره اصحاب بر ترک صلاة الجمعة ما بر این استدلال ایراد گرفتیم گفتیم جهاتی از ایراد بر این استدلال وارد است که جهت اولی را جلسه قبل بیان کردیم خلاصه آن جهت اولی این بود ، این که ایشان فرمود اگر صلاة الجمعة وجوب تعیینی می داشت در زمان معصومین سلام الله تعالى علیهم استبعاد این که زراره و عبد الملك أعین اقامه نکنند چنین نمازی را و یا عبد الملك اعین در طول عمرش یک همچین نمازی نه خوانده باشد باشد چگونه واجب باشد و آن ها عمل نه کنند یا این گونه بیایند سوال کنند و حضرت این گونه جواب دهند؟ ما جواب دادیم استبعادی از این ناحیه نیست مادامی که شرایطی در آن زمان ها حاکم بوده که هم مساله را از نظر حکمی در شرایطی قرار می داده که شک در وجوب حاصل می شده به دلیل اینکه می دیدند امام اقامه نمی کند این شبهه پیش می آمده که نکند وجوب صلاة الجمعة تعییناً مشروط به امام است از طرفی احتمال ادامه شرایط تقیه را می دادند شرایط تقیه در بعضی زمان ها وجود داشته لذا نماز جمعه را اقامه نمی کردند حداقل به خاطر احتمال تداوم شرایط تقیه یا به خاطر احتمال شرطیت حضور امام یا من نصبه برای اقامه جمعه با وجود همچنین احتمالی چه استبعادی دارد که مثل زراره یا مثل عبد الملك اعین به خاطر چنین احتمالی نماز جمعه اقامه نکنند نه این که احتمال شاید هم نه آن ها مطمئن بودند یا برای آنها حداقل این اعتقاد حاصل شده بود لا اقل از ناحیه مساله تقیه که احتمال می

دادند یا نه یقین داشتند ما احتمال دادیم که آن‌ها بر مبنای تقیه تقیه اقامه نمی‌کردند نه واجب بوده و آن‌ها می‌دانستند واجب است و عمداً واجب را انجام نمی‌دادند این چه وجهی است یعنی عدم اقامه صلاة جمعه بوسیله آن‌ها کاشف از این نیست که آن‌ها معتقد به وجوب اش نبودند و اقامه نمی‌کردند این بحثی بود که در روز گذشته کردیم جهت دوم از جهات اشکال بر فرمایش آقای خوئی این است که از مطالب ایشان لسان حث و ترغیب انما یناسب الاستحباب للوجوب بل الذی یناسب الوجوب هو لسان توبیخ و التندید جواب این فرمایش این است که لسان حث و ترغیب هم گاهی مناسب وجوب است و آن جایی است که وجوب محاط به شرایطی باشد که منشا تشکیک در این وجوب می‌شود که این شرایط را جلسه قبل مطرح کردم هم شرایطی که از ناحیه حکم منشا تشکیک می‌شده هم شرایط موضوعی که از ناحیه شرایط خارجی موضوعی منشاء تشکیک می‌شده هم شرایطی که امام اقامه نمی‌کرده نماز جمعه را با آن‌ها احتمال می‌دادند حضور یا نصب امام یا اقامه خود امام چون شرط است اقامه نمی‌کرده یا این شبهه در ذهن آن‌ها بوده یا شبهه استمرار شرایط تقیه بوده لذا برای رفع چنین ابهام و شبهه ای لذا جا داشته با این که مطلب واجب است بر آن تاکید شود که این شبهه از اذهان برود که این تشکیک برود که فکر کنند این نماز صحت اش مشروط به حضور امام است نه چرا اقامه نمی‌کنید اقامه کنید که این شبهه که نکند شبهه شرایط تقیه ادامه دارد برای نفی شبهه تاکید انجام گرفته لذا تاکید متناسب مقام وجوب هم است تاکید به این معنا که با حث و ترغیب باشد به دلیل این که این وجوب محاط به عوامل ای است ایجاد شبهه در وجوب می‌کند

جهت سوم از فرمایشات آقای خوئی این که ایشان فرمودند خیلی مستبعد است رجلی مثل عبدالملک لم یصل صلاة الجمعة حتی مرّةً واحدة إن کانت واجبة وجوباً تعینياً چگونه می شود نماز جمعه واجب تعینی باشد و شخصی مثل عبدالملک اعین یکبار نخوانده باشد جواب : چه استبعادی اگر شرایط تقیه به گونه ای باشد که یک بار هم نماز جمعه را نخوانده باشد بعد خواهیم گفت که ائمه اطهار چگونه تقیه می کردند و روایاتی که در این زمینه وارد شده فراوان و متعدد است چه استبعادی است ؟ آقای خوئی در امنیت ۵۰ سال پیش شهر نجف که خبری نبوده مقایسه با شرایط عبد الملک اعین و دوران عبد الملک مروان و دوران حکومت حجاج بن یوسف ثقفی و مقایسه کنید که سخت ترین دوران های تاریخ تشیع همان زمان حکومت بنی امیه بوده ؟ چگونه این مطلب را بعید دانست که به دلیل تقیه یک بار نماز جمعه را نخوانده باشند. همیشه تقیه حاکم بوده جهت رابعة: که ایشان شخصاً مرحوم خوئی اقرار دارند که سیره، سیره مردوع عنها است ، عبارت ایشان این است که می فرماید : فهاتان الروایتان دلّتا علی انّ الاصحاب الائمة علیهم السلام جرت سیرتھم علی ترک صلاة الجمعة الی ان ذبّھم علیہ السلام او حتّھم علیہ، بر فرض چنین سیره ای شکل گرفته باشد خود شما می گویید سیره تا امام صادق علیه السلام ادامه داشته و حضرت توبیخ کرده آن ها را بر این سیره چه سیره ای است که می شود به آن استناد کرد که خود شما اقرار دارید که حضرت صادق علیه السلام آن ها توبیخ بر این سیره کرد خودتان اقرار دارید این سیره مردوع عنها است حالا این سیره به هر دلیل حالا به دلیل تسامح آن ها یا به دلیل هر چی یا به دلیل آن که گفتیم نه سیره کاشف از تسامح آن ها نبوده بلکه به دلیل شرایط خاص که بر آن ها حاکم بود بهر حال

معلوم می‌شود سیره ، سیره ای بوده که قابل قبول امام صادق علیه السلام نبوده که این گونه با این سیره برخورد می‌کند این چه سیره ای است که شما با اثبات چنین سیره ای می‌خواهید استدلال کنید سیره آنقدر مستحکم بوده که تا آن جارسیده حضرت توبیخ کرده پس سیره غلط بوده است حالا به هر دلیل می‌خواهد باشد این سیره ای که خود شما اقرار دارید امام توبیخ کرده چه ارزشی دارد سیره ؟ معلوم است کاشف از موافقت معصوم صلوات الله تعالی علیهم نیست نیست

جهت پنجم : آقای خوئی تصریح دارند در ضمن کلمات شان که آن جایی که فرمودند لسان روایات ، لسان حث و ترغیب است عبارت شان این است : الا ان الحث و الترغیب انما یناسبان امور المستحبه و اما الواجبات فلا مجال فیها لهما بوجه بل للزام فیہ التوبیخ علی ترکهم ، خوب این توبیخ را حضرت انجام داد پس شما منتظر چی هستید؟ جهت پنجم اشکال این است که بنابر فرمایش خودتان که فرمودید آن چه با وجوب تناسب دارد لسان توبیخ است و لسان حث و ترغیب نیست خوب منتظر چه هستید ؟ آیا چه لسانی بالاتر از این لسان که تعبیر یهلک در آن به کار رفته مثلک یهلک و لم یصل صلاة فرضه الله تعالی با یک همچین مضمونی از این تاکید و توبیخ ما منتظر بیشتر هستیم ؟ که حضرت صادق صلوات الله تعالی علیه سر بزند؟ که دلالت بر وجوب تعیینی کند ، اولاً تعبیر یهلک، مثلک یهلک آمده اگر صلاة مستحب یا صلاة رجحان خالی از الزام را داشت یهلک یعنی چی؟ چه کرده؟ ترک مستحب که منجر به هلاک نمی‌شود

هلاک در مقابل نجات است در زبان عرب هلاکت به معنی از بین رفتن و مضمحل شدن ظهور دارد نه موت دنیوی

یا حضرت می خواسته موضوع را تکویناً ازاله کند یعنی اصلاً حالت ترس از آن ها بیرون بیاورد با این تاکید یا شبهه ذهنی را منتفی کند خلاصه با لسان توییح در ترک چگونه می توان تشکیک در لسان وجوب در این روایت کرد؟

جهت ششم: ایراد بر مرحوم خوئی مرحوم خوئی در سیاق استدلال بر وجود سیره بر عدم نماز جمعه می فرماید چون تقیه بوده نماز جمعه نمی خواندند این رانفی می کند می گوید تقیه اصلاً در نماز جمعه ممکن نیست مگر می شود در نماز جمعه تقیه کرد ؟ چون تقیه وقتی است که نماز جمعه را با آن ها به شود تقیتاً خواند در حالی که نماز جمعه با آن ها کلاً باطل است چون قطعاً عدالت امام شرط است در نماز جمعه و دو رکعت از نماز ظهر به دلیل صحت جمعه ساقط شده این سقوط دو رکعت از صلاة ظهر متوقف بر صحت جمعه و جمعه تقیه ای که صحیح است پس تقیه در صلاة جمعه ممکن نیست پس نمی شود گفت نماز جمعه نمی خواندند تا تقیه به کنند

جواب ما این است که امکان تقیه در صلاة جمعه به همین بوده که نماز جمعه می خواندند بعد اعاده می کردند یا اول ظهر را در خانه خود می خواندند بعدصوری به آنها در جمعه اقتدا می کردند یا نماز جمعه را با آن ها می خواندند دو رکعت اش را به صوری به آن ها اقتدا می کردند و به طور حقیقی نبوده صلاة الجمعة بوده که صوری اقامه می کردند بعد خودشان نماز ظهر را اقامه می کردند صلاة الجمعة و تقیه در صلاة الجمعة به همین بوده که یا صلاة الجمعة را به طور صوری اقامه می کردند یا این نحو که دو رکعت را جمعه می خواندند صورتاً با آنها بعد خود تکمیل می کردند یا ظهر را در خانه می خواندند بعد جمعه را صوری می خواندند یا عکس آن نماز جمعه را با آن ها می خواندند بعد ظهرّاً

اعاده می کردند این سه شکل تقیه ای است که در روایات آمده این طوری تقیه می کردند تقیه این نیست که جمعه را با آن ها به خوانند و این صحیح هم باشد به دلیل این که تقیه است تقیه در این جا تقیه به این معنی نیست یعنی به گوئیم به دلیل این که تقیه ای است پس تقیتاً نماز جمعه با آن ها تقیه صحیح است این نیست منظور از تقیه این است که آنها نماز جمعه را تقیه با آن ها نمی خوانند پس چه می خوانند ؟ صلاة ظهر را می خوانند نماز جمعه را با آن ها تقیه می خوانند یعنی صورت جمعه را با آن ها ادا می کردند این که می گویند تقیه ممکن نیست تقیه اشکال مختلف دارد یکی اش صورت عمل را با آنها انجام به دهند و یک جور صورت عمل را با آن ها انجام به گیرد تقیه است همه انواع تقیه این نیست که نماز با آن ها صحیح باشد از باب تقیه ، در روایات زیاد اشاره به انجام این کار شده روایتی است که در وسایل است صحیحه حران عن ابی عبدالله صلوات الله علیه فی حدیث قال فی کتاب علی صلوات الله تعالی علیه اذا صَلَّوْا الْجُمُعَةَ فی وقت فصلُّوا معهم و لا تقومَنَّ من مقعدک و لا تقومن من مقعدک حتی تصلَّی رکعتین آخرین قلتُ فاکون قد صَلَّیتُ اربعاً لنفسی لم اقتد به فقال نعم (ممکن است صلوا اول به صیغه مفرد بعد جمع آمده باشد) حضرت فرمود همین کار درست است حضرت از کتاب علی علیه السلام خواندند که حضرت در کتاب شان نوشته اند که اگر جمعه را با آن ها در وقت خواندی یعنی اگر وقت نماز جمعه شده بود و نمی توانستی ظهر را قبل آن به خوانی نماز جمعه را با آن ها می خوانی بعد دو رکعت اضافه می کنی

سائل از حضرت می پرسد : آیا مراد شما این است که فرادی به خوانی حضرت می فرماید بله فرادی به خوانید وسائل الشیعه ابواب صلاة الجمعة باب ۲۹ ح ۱ ج ۵ از چاپ اسلامیة

همه چهار رکعت فرادی ، جماعت صوری است چهار رکعت متصل می خوانی لا تقومن مقعدک فرموده بعد از دو رکعت تشهد ذکر بگویی و طول بدهی که برای آن ها شک پیدا نه شود و فکر کنند دو رکعت بعدی نافله است چون خودشان بعد از نماز جمعه دو رکعت نافله می خوانند

روایت دیگر از ابی بکر حزمی قال: قلت لابی جعفر صلوات الله علیه : کیف تصنع یوم الجمعة قال کیف تصنع انت؟ قلت أصلی فی منزلی ثم اخرج قلت فاصلی معهم قال کذا لک اصنع انا

به حضرت می گوید شما چه می کنید روز جمعه حضرت می گوید تو چه می کنی؟ من نماز را در منزل خوانده و بعد جمعه را با آن ها می خوانم حضرت می فرماید من هم همین کار را می کنم اول توی منزل نماز می خوانم ، منزل شان نزدیک مسجد بوده اذان ظهر که می شه تا مردم جمع به شوند یک ربع ساعتی طول می کشیده می گوید من نماز را می خواندم توی منزل بعد می رفتم با آن ها نماز جمعه شان را می خواندم حضرت می فرماید من هم همین کار را می کنم اول نماز را توی منزل می خوانم بعد در مسجد نماز جمعه شان را می خوانم بنابراین تقیه این جا این گونه است تقیه یعنی انجام نماز جمعه صوری به همان ترتیب هم تقیه صورت می گرفته آدرس حدیث همان باب

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

http://\zokr.com

Copyright © \Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است